

تأثیر فرهنگی معماری ایران در چین

نمونه‌هایی از هنر معماری اویغوری

جوری قدیر و خالق داوود
مترجم: نادره بدیعی



تأثیر فرهنگی معماری ایران در چین

نمونه‌هایی از هنر معماری اویغوری

جوری قدیر و خالق داوود
مترجم: نادره بدیعی



۱۳۹۷

عنوان و نام پدیدآور: تأثیر فرهنگی معماری ایران در چین؛ نمونه‌هایی از هنر معماری اویغوری / نویسندگان: جوری قدیر و خالق داوود؛
مترجم: نادره بدیعی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: بیست‌وشش، ۱۰۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱-۸۲۶-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: اویغورها -- چین -- سین‌کیانگ اویغور

موضوع: معماری ایرانی -- تأثیر

موضوع: اویغورها -- تمدن

موضوع: معماری اسلامی -- چین

موضوع: ایران -- روابط فرهنگی -- چین

موضوع: چین -- روابط فرهنگی -- ایران

شناسه افزوده: داوود، خالق

شناسه افزوده: بدیعی، نادره، ۱۳۲۹-، مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ت ۴۱/۷۳۱ DS

رده‌بندی دیویی: ۹۵۱/۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۵۲۴۱۷

تأثیر فرهنگی معماری ایران در چین

نمونه‌هایی از هنر معماری اویغوری

نویسندگان: جوری قدیر و خالق داوود

مترجم: نادره بدیعی

چاپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.



انتشارات علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛
کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷-۱۵۸۷۵؛ تلفن اداره مرکزی: ۷۰-۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲

تلفن مرکز پخش: ۲۹-۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵-۸۸۶۷۷۵۴۴

آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

وبسایت فروش آنلاین: www.farhangishop.com

فروشگاه مرکزی (پرندۀ آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، کوچه گلغام، پلاک ۷۲؛

تلفن: ۳-۲۴۱۴۰-۲۲۰

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی دراصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶

فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶

فروشگاه سه: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی

سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم	هفت
مقدمه	بیست و یک
یادداشت نویسندگان	بیست و پنج
نقش مایه‌های ایرانی در هنر معماری اویغوری	۱
دروازه‌ها، مناره‌ها، گنبدها	۳
حیاط پیش‌ایوان (طاق‌نما)، ایوان، هشتی، دالان، روان، پیش‌آمدگی لبه بام‌ها، سقف و پوشش داخلی سقف‌ها	۱۶
درها، دریچه‌ها، پنجره‌ها	۴۵
دیوارها، طاقچه‌ها، بخاری‌های دیواری و محراب	۵۶
سقف‌ها	۷۱
خشت و کاشی	۸۳
شیوه هنر معماری سنتی در ساختمان‌های جدید اویغوری	۹۴

پیشگفتار مترجم

آنچه در این کتاب می‌بینید، خود گویای خویشتن است که چه سان هنر، فرهنگ، معماری و ساختمان‌سازی ایران از راه ابریشم و خراسان بزرگ به ایالت شین‌جیان چین (سین‌کیانگ - ترکستان شرقی) راه یافته و در آنجا پیروی و دنباله‌روی شده است که نه تنها شیوه ساختمان‌سازی، بلکه شیوه در و پنجره‌سازی، مشبک‌کاری‌های چوبین، قرنیزها، گچ‌بری‌ها، آرایه‌های ساختمانی، ایوان‌ها، پیش‌ایوان‌ها، طاق‌ها و طاق‌نماها، شیوه گره‌چینی و آجرچینی، کاربرد کاهگل و... همه و همه «ایرانی» است و این گفته‌ای گزافه نیست که همیشه در درازنای تاریخ، همیشه، ترکان در پرتو فرهنگ ایرانی زیسته‌اند و همه داشته‌های فرهنگی خود را از ایران و ایرانیان گرفته و آموخته‌اند، از شعر و موسیقی و معماری گرفته تا هنرهای دستی، بسیاری از قراردادها و سنت‌ها، دین و آیین و بسیاری از شیوه‌های زندگی و پخت بسیاری خوراک‌ها، پزشکی و اخترشناسی به‌تمامی از ایران بدان سامان راه یافته و رنگ و بوی ایرانی خود را نگاه داشته است.

دلیل بارز این سخن، حضور پررنگ واژه‌ها و اصطلاحات فارسی است که در پزشکی، موسیقی، شعر و ادبیات، هنرهای دستی، معماری وارد زبان ترکی اویغوری شده است و این خود گویای آن است که همه این دانش‌ها و هنرها از ایران‌زمین به آن سامان راه یافته‌اند.

... که نفوذ آن تا ژرفنای زندگی روزمره گسترده است و مردم شین‌جیان در سده‌های تاریخی گذشته، اساساً فارسی‌زبان بوده‌اند و نه تنها در میان فرهنگ و زبان آن سرزمین بلکه در کوچه و بازار و مدرسه و مغازه و خانه همه، به زبان فارسی سخن می‌گفته‌اند و فارسی ادیبانه شاعرانه، زبان رسمی دربار و فرمانروایان آن سرزمین بود. شین‌جیان از دیرباز شاعران پارسی‌گوی و ادیبان نام‌آوری داشت که گرچه خود از ملیت‌های گوناگون ترک بوده‌اند، به پارسی‌گویی و پارسی‌سرایی فخر می‌ورزیدند و یا اگر هم به ترکی شعر سروده‌اند، مضمون شعرهایشان برگرفته از داستان‌های ادب فارسی است.^۱

۱. بدیعی، نادره، «بر پره‌های سیم‌رخ تا سرزمین چین»، زبان فارسی میراث مشترک ما، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی، اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۱، ص ۱۳.

شین جیان چین (سین کیانگ یا ترکستان شرقی یا اویغورستان) ایالتی است خودمختار که در شرق چین قرار دارد و از سوی غرب با کشورهای پاکستان، افغانستان و تاجیکستان هم مرز است. این منطقه

با مساحتی نزدیک به وسعت خاک امروزی ایران، از دیرباز، همچون چهارراهی بر گذرگاه فرهنگ‌های گوناگون قرار داشته است، چرا که دو جاده شمالی و جنوبی ابریشم که از سرزمین چین تا دورترین نقاط باختر آن روزگار کشیده شده بود، در آنجا به هم می‌پیوست و سپس از هفت آب فرغانه و ایران‌زمین می‌گذشت و به سوی باختر می‌رفت، در شین جیان از دیرباز زبان فارسی (سغد و خوارزم قدیم) که در خراسان بزرگ و ماوراءالنهر (ورارود) بدان سخن می‌گفته‌اند، زبان رسمی و ادبی بود و در درازنای تاریخ، بزرگانی از این سرزمین برخاسته‌اند که در ادب و فرهنگ و زبان ایرانی نام‌آوردند و با نگاهی کوتاه به کتاب *الانساب* سمعانی می‌توان نام‌های بی‌شمار این بزرگان را فرا یافت.^۱

بیشتر مردم این سرزمین ترکان اویغورند که همگی مسلمان‌اند و باید بنگارم که در چین مسلمانان را «هرهویی» یا با تلفظ چینی «خوئیخه» می‌نامند.

یکسان بودن خوئیخه با اویغورها در قرن نوزدهم سبب بحث‌های علمی در موضوعات اویغورشناسی شده است، بحث مذکور از طرف دانشمندان ترک‌شناس آغاز شده و شاید به همین دلیل در ابتدا، تقریباً هیچ کس به منابع چینی مربوط به خوئیخه توجه چندانی نکرده‌اند، آرمیوزا چین‌شناس فرانسوی تنها کسی است که منابع مذکور را معرفی کرد، اما باز هم امکان یکسان بودن خوئیخه و اویغورها را احتمال نمی‌داد.^۲ مراد از این سخن آن است که ابتدا، در چین اویغورها را مسلمان می‌دانستند و زمان زیادی گذشت تا چینیان و شرق‌شناسان دریافتند که مسلمان‌ها فقط اویغورها نیستند!

گفتنی است که

چین کشوری چند ملیتی است و مسلمانان چین شامل چند گروه هستند: یکی چینی‌های مسلمان، دودیکر ایرانی‌تباران مسلمان (تاجیکان و سالارها)، و سدیگر مسلمانان چین که شامل ترکان و ترکستان چین است که سرزمین آنان را امروز به نام ایالت شین جیان می‌شناسیم و ملیت‌های

۱. بدیعی، نادره، «سفر به سنجان چین واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین»، ماهنامه کلک، تهران، فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۱، ش ۲۵-۲۶، صص ۱۶۲-۱۷۰.

۲. کومالوف، آبلیت، *تاریخ عمومی اویغورستان*، ترجمه میترا نظریان همدانی و الکساندر چولوخادزه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱، ص ۲.

اویغور، قرقیز، قزاق و ازبک را دربرمی‌گیرد^۱ و نیاز به یادآوری است که در برخی منابع تاریخی، اویغوران را همان سلجوقیان می‌دانند^۲ که پس از یورش به ایران با فرهنگ و تمدن ایرانی آشنا شدند و پس از آن با دستی پر از دانش و فرهنگ و هنر به سرزمین اصلی خود بازگشتند. «اویغور قوم آسیایی ترک‌نژاد که اول‌بار در قرن هفتم میلادی در اطراف رود جیحون سکنا گزیدند و اهمیت یافتند و چندین شهر بنا کردند که یکی از آن‌ها قراقوروم است... سپس به ترکستان شرقی و به قسمت‌هایی از سرزمین کنونی ایالت سین‌کیانگ مهاجرت کردند... امروز قسمت زیادی از سکنه سین‌کیانگ به زبان اویغوری سخن می‌گویند و ممکن است از اعقاب اویغورها باشند»^۳.

چنان که گفته شد، در طول تاریخ، اویغوریان نخست، فارسی‌زبان بودند و بعدها زبان ترکی اویغوری میان آن‌ها رواج یافت و سپس سیاست‌های بیگانه برای این زبان، خطی را پدید آورد که امروز ما به نام «خط اویغوری» و خود آنان آن را به نام «خط اسلامی» می‌شناسند و همانندی‌های بسیاری با خط کردی دارد که در غرب ایران رواج یافته است؛ چنان که گویی خط اویغوری و کردی هر دو یک خاستگاه دارند!!

زبان اویغوری در تمام ایالت شین‌جیان اساساً با خط فارسی نوشته می‌شود و در این منطقه یک چند خط فوتتیک لاتین به کار رفت، ولی پس از زمانی کوتاه خط فارسی رسمی اعلام شد که این خط به گونه آوانویسی است (حتی واژه‌های قرآنی و دینی) که برای روشن شدن خواننده این نوشتار چند نمونه می‌آورم: مثلاً واژه «مدت» در این خط به شکلی «مودده ت» نوشته می‌شود یا واژه‌هایی همچون «برابر» که به شکل «باراژور» نه و آسترکه به شکل «ئه ستر» یا نمونه دیگر واژه امیدبخش که به شکل «ئومید به خش» ثبت می‌گردد.^۴

به هر روی نگاشتن این نکته بایاست که من در طول سه سال زندگی در چین به همراه همسرم، مظفر بختیار، و دو فرزندم و پروفیسور یه ایلینگ، رئیس دانشکده زبان‌های شرقی، دو بار به ایالت شین‌جیان (سین‌کیانگ - ترکستان شرقی) و شهرهای تاریخی و فرهنگی آن رفتم. دلیل این سفر این بود که دانشگاه تهران، همسرم را برای آموزش زبان فارسی به دانشجویان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پکن به چین فرستاد و من به همراه خانواده به آن کشور رفتم و

۱. بدیعی، نادره، «نقد این نی‌نامه جامی بخوان»، ماهنامه حافظ، تهران: اسفند ۱۳۸۴، ش ۲۶، صص ۳۴-۴۱.

۲. کومالوف، آبلیت، تاریخ عمومی اویغورستان، ترجمه میترا نظریان همدانی و الکساندر چولوخادزه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱، ص ۲.

۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷ش، ذیل «اویغور» و «سلجوقیان».

۴. بدیعی، نادره، «سفر به سنجان چین، واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین»، ماهنامه کلک، ش ۲۵-۲۶، فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۱، صص ۱۶۲-۱۷۰.

طی این سال‌ها، به هنگام آسودگی و فراغت از کارهای خانه و رسیدگی به خانواده، با مطالعه و تلاش بسیار با زبان اویغوری آشنا شدم و خط و شیوه نگارش آن را آموختم. به هر حال، هر خانم خانه‌داری وقت آزاد بسیاری دارد که می‌تواند به نقاشی، پیکرتراشی، نویسندگی بپردازد یا با رفتن به «سالن مدها» زمان بگذراند و من اینک تنها اویغوری‌دان ایران هستم و دو بار سفر به شین‌جیان و قرار گرفتن در محیط زبان اویغوری به من این امکان را بخشید که نه تنها با زبان که با فرهنگ اویغوران آشنا گردم که اینک هیچ کس جز من در ایران نه با این زبان آشناست و نه می‌تواند از این زبان ترجمه کند. همسر و فرزندانم نیز این زبان را نیاموختند، چرا که بدان نیازی نداشته و ندارند و وقت یادگیری این زبان را نیز نداشتند. من با یاری بخش فارسی دانشکده زبان‌های شرقی دانشگاه پکن و استادان برجسته آنجا مثل پرفسور زین یان شن، استاد زبان و ادبیات فارسی، به رفع اشکالات زبان اویغوریم پرداختم و با لطف پروفیسور زین یان شن از دانشکده اقلیت‌های ملی چین، بخش اویغوری بسیاری از کتاب‌ها و منبع‌های زبان اویغوری را تهیه و خریداری کردم.

پی‌آمد تلاش سه‌ساله من در چین، نگاشتن کتاب فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین^۱ شد و این کتاب برای من ره‌آوردی فرهنگی بود که با خود به ایران آوردم و خود پایه و آغاز کار بود برای اینکه پس از آشنا شدن ملت ایران با فرهنگ اویغوران و شیوه زبان آنان که پر از واژه‌های فارسی است، اینک گام‌هایی بزرگ‌تر را برای شناساندن فرهنگ اویغوران و نشان دادن چگونگی رخنه ادب و فرهنگ، دانش و هنر و معماری ایران در میان آنان برمی‌دارم و یکی از این گام‌ها برگردان همین کتاب از زبان اویغوری به فارسی است که اینک در دست دارید. و این، نخستین کتاب در طول تاریخ روابط ایران و چین است که از زبان اویغوری به فارسی برگردانده می‌شود.

این کتاب بیشتر یک کتاب تصویری است و شما با دیدن تصویرهای دل‌انگیز این کتاب به چشم خویشتن، حضور مسلم فرهنگ ایرانی و زبان فارسی را در شین‌جیان چین یا ترکستان شرقی می‌بینید و از آن رو که هدف ناشر و نگارندگان کتاب نیز نشان دادن شیوه ساختمان‌سازی و هنر و معماری شین‌جیان بوده است، خود به نگارش چند برگ در آغاز کتاب بسنده کرده و دیگر برگ‌های کتاب را به «تصویر»های گوناگون از معماری شین‌جیان ویژه کرده‌اند و هم از این روست که من هم چندان نیازی نمی‌بینم تا درباره رخنه معماری و ساختمان‌سازی ایران در آن سامان افزون‌گویی کنم و سخن را به درازا بکشانم که این کتاب خود گویای خویشتن است. این کتاب سندی است روشن از حضور مسلم فرهنگ ایران و هنر معماری ایرانی در شین‌جیان چین که خوانندگان، یا بهتر بنگارم، بینندگان این کتاب ببینند خانقاه‌ها را، مساجد را، کتیبه‌های فارسی را، آونگ‌خانه‌ها را که در

۱. به بدیعی، نادره، فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین، تهران: بلخ، ۱۳۷۷ ش.

آن انگورهای فراوان شین جیان به‌ویژه شهر تورپان را می‌خشکانند تا کشمش شود؛^۱ ببینند درها و پنجره‌ها را، طاق‌ها و طاق‌نماها را، دیوارهای آجری و خشتی و کاهگلی را، کاشی‌های لعابدار سبز و فیروزه‌ای را و در آن‌ها پیوند روح ایرانی را با هنر معماری شین جیان به روشنی دریابند، همه‌چیز آشناست، همه‌چیز با زبانی روشن با شمای ایرانی سخن می‌گوید.

همه‌چیز این کتاب شما را به یاد خودتان و گذشته سرافرازتان می‌اندازد به یاد فرهنگ ایرانی. بی‌گمان و از دیدگاه من همه این تصاویر با زبان فارسی با شما سخن می‌گویند و نه ترکی اویغوری؛ همه آجرها، گچ‌بری‌ها ایوان‌ها و پیش‌ایوان‌ها، نرده‌ها و مشبک‌ها، گره‌چینی‌ها و آجرچینی‌ها، چینی‌خانه‌هایی که به روشنی گرته‌برداری از ساختمان عالی‌قابوی سپاهان رویایی ماست، همه و همه زبانشان فارسی است و شمای ایرانی پس از دیدن این تصاویر، با آن پیوندی می‌یابید که از دیر و دور تاریخ با جانتان آشناست، ببینید فرهنگ ایرانی تا کجا پیش رفته و چگونه در دیگر سرزمین‌ها نشسته و در و دیوارش با زبان فارسی با شما سخن می‌گوید، ببینید که بی‌کران فرهنگ ایران تا کجاست؟

چنان که گفته شد، در ایالت شین جیان چین که اغلب مردمان آن ترکان اویغور هستند نام بیشتر شهرهایشان فارسی است و نه تنها شهرها که روستاها و دشت‌ها، شهرهایی همچون کاشغر (کاشیگر یا کاشیان)^۲ یارکند، آذرکند (آذرکند) تورپان^۳ و روستاهایی همچون بوستانباغ، چله‌مزار، فیض‌آباد و دشت‌هایی همچون دشت عمید و صحرای ختن کویری بزرگ به نام «تکله مکان» که واژه‌ای آمیختاری است و دیگر نام‌هایی همچون آبادباغ، آخوند محله، آستانه، جهان‌باغ، قدم‌جای، خان‌گیاه، خواجه‌مزار، قم دروازه، زاوه، دالان‌کاریز، شفق‌کاریز، کوچک‌مزار، قم‌محله و...^۴

مردمان این سرزمین هر چند که با زبان ترکی اویغوری سخن می‌گویند مسجد را مسجد، گنبد را گنبد، ایوان و پیش‌ایوان را ایوان و پیش‌ایوان، کاهگل و آجر و گچ را کاهگل و آجر و گچ، معمار را معمار و... می‌گویند و همچنان همه این واژه‌ها و اصطلاحات در شین جیان فارسی است و این افتخار تنها بر من است که در چین سرزمینی را یافته‌ام که ساحت بی‌چون و چرای نفوذ فرهنگ ایران و زبان فارسی است و برای نخستین‌بار این ساحت فرهنگی را به ملت ایران شناساندم و معرفی کردم و شما اگر به شین جیان، به‌ویژه شهرهای تاریخی آن،

۱. گروه نویسندگان چینی و اویغور، تورپان، ترجمه نادره بدیعی، بی‌نا: بی‌تا.

۲. ← انورباتیور، تاریخ ملت‌های شین جیان، ترجمه خیرالنسا صدیق، انتشارات ملیت‌های پکن، ۱۹۹۱؛ بدیعی، نادره، فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین، تهران: بلخ، ۱۳۷۷ ش.

۳. تورپان نام یکی از شهرهای شین جیان چین است که در چینی تولوفان و در زبان‌های هندو اروپایی تورفان می‌گویند. این واژه که فارسی است به معنای آتشیان و نگهبان آذر است (ترر به معنی آترر و آذر، پان پسوند نگهبانی).

۴. بدیعی، نادره، فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین، تهران: بلخ، ۱۳۷۷ ش، بخش واژه‌ها.

۵. همان‌جا.

بروید احساس بیگانگی ندارید چون همه چیز آشناست. سردر بیشتر فروشگاه‌ها، نام بسیاری از خیابان‌ها، مهمانخانه‌ها، خوراک‌ها و... فارسی است مانند سوداسرای کاروان (فروشگاه کاروان) در شهر کاشغر، خیابان نورانی (نوریوق یولی)؛ مهمانخانه گوهر سرزمین در شهر اورومچی مرکز ایالت شین جیان؛ غذاهایی چوت پلو مربا، آش، نان و... و همه با همین نام‌های فارسی. گویی شین جیان چین و شهرهای تاریخی آن بخشی دورمانده از فرهنگ ایرانی است که در چین جای گرفته است.^۱ بی‌گمان بایسته است که در همین جا بنگارم که چینی‌هایی که چندان شناختی از ایران، اسلام و فرهنگ ایرانی — چه پیش و چه پس از اسلام — نداشته‌اند، در برخی پژوهش‌های خود معماری شین جیان را برگرفته از معماری عربی خوانده‌اند. در اینجا این پرسش پیش می‌آید که اگر این معماری عربی است، چرا همه نام‌ها و اصطلاحات به کاررفته در معماری شین جیان چین فارسی است؟! بی‌گمان چینیانی که این پژوهش‌ها را انجام داده‌اند به این دلیل که با فرهنگ و هنر و معماری ایرانی آشنایی نداشتند و همچنین اسلام را یک پدیده عربی دانسته‌اند چنین پنداشته‌اند که این معماری، عربی است. البته این‌جانب در این جستار در پی پابرجا کردن و اثبات این نکته نیستم که معماری ایالت شین جیان چین ایرانی است، هر کس که با فرهنگ و هنر و معماری ایران آشنا باشد و ساختمان‌سازی‌های شین جیان را ببیند با چشم خود و نه تنها با گوش خود فریاد ایرانی بودن این معماری را می‌شنود.^۲

یکی از پژوهشگران چینی گفته است که: «هم‌اکنون نیز در سین‌کیانگ آثار به‌جامانده بسیاری از معماری اسلامی دیده می‌شود، در قرن‌های دهم و یازدهم، فرهنگ مردم رشد یافت و در سال ۱۰۶۹ م. یوسف^۳، شاعر بزرگ و معروف چین، کتاب شعر خود را به پایان رساند و در محل آرامگاه این شاعر گران‌قدر چینی^۴ مسجدی ساخته شده است که آینه‌کاری و تزیینات زیبایی در آن به کار رفته است، مردم هر گاه برای نماز و نیایش به آنجا می‌روند، او را گرمی می‌دارند اگر

۱. بدیعی، نادره، فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین، تهران: بلخ، ۱۳۷۷ ش، بخش واژه‌ها.

۲. اشاره‌ام به سروده طاق بستان (طاق و سان) استاد معینی کرمانشاهی است که فرموده:

ببینند به سنگ‌ها نقوشی / نشنیده ز سنگ‌ها خروشی

ببینند ولی نه با شنیدن / من می‌شنوم به جای دیدن

ببینند غرور و شکل پرویز / من می‌شنوم غریو شب‌دیز

ببینند گرفته خسرو آیین / من می‌شنوم ثنای شیرین

ببینند شکوه هورمزدا / من می‌شنوم سروش یسنا

ببینند که شاه ولدچه در مشت / من می‌شنوم پیام زرتشت ... - م.

۳. مراد یوسف خاص حاجب، شاعر نام‌آور اویغور است.

۴. یوسف خاص حاجب اویغور است، اما چون شین جیان، در سده گذشته جزئی از خاک کشور چین به شمار می‌آمد، چینیان به آن‌ها هویت چینی می‌دهند، در گذشته هم کمونیست‌های روسیه، رودکی و نظامی را شاعر روس می‌خواندند! چون تاجیکستان و آذربایجان را بخشی از خاک روسیه به شمار می‌آوردند.

چه مکان بزرگی نیست، دارای جلال و شکوه خاصی است و سبک آن شباهتی به مقابر و معابد چینی ندارد و به سبک معماری ساختمان‌های عربی است.^۱ نکته درخور نگرش بسیار این جاست که بسیاری از ساختمان‌های تاریخی و اسلامی چین که این گونه تاریخ‌نگاران و پژوهشگران چینی آن‌ها را دارای سبک معماری عربی می‌انگارند کتیبه‌های فارسی دارد! و بر سر در این گونه ساختمان‌ها، مسجدها و خانقاه‌ها می‌توان کتیبه‌های فارسی، شعر فارسی و حتی ماده تاریخ وفات بزرگان آن سامان را با شعر فارسی دید و خواند^۲ و عربی دانستن این معماری بی‌گمان از ناآگاهی برخی تاریخ‌نگاران چینی به‌ویژه تاریخ‌نگاران کمونیست آن سرزمین نشأت می‌گیرد.

نکته دیگر اینجاست که خود چینیان بخش‌های بزرگی از فرهنگ خود را برگرفته از «سرزمین‌های باختری» می‌دانند یعنی سرزمین‌هایی که در غرب چین جای دارند. و این بدان معنی است که خود ایشان خستو هستند که بخشی از فرهنگشان از غرب چین آمده است و سرزمین‌های باختری چین مگر سرزمینی جز ایران بزرگ تاریخی و ایالت‌های آن است. بخشی از ایران بزرگ فرهنگی، تاریخی که در غرب چین است و ایالت خراسان بزرگ، سغد و خوارزم که امروزه شامل افغانستان و تاجیکستان و ورارودان است. مگر جز این است؟ به هر روی معماری شین‌جیان را نمی‌توان بخش کرد، نمی‌توان دسته‌بندی کرد، نمی‌توان برای آن شمالی و جنوبی و شرقی و غربی گفت، مثلاً معماری شمال یا غرب چون همه ابعاد و دورایی‌های زندگی مردمان اویغور را دربردارد از شیوه ساختن مساجد، نمایش‌خانه‌ها و تئاترها، همه معماری آن سامان به شیوه ایرانی است و نه تنها معماری تاریخی بلکه ساختمان‌سازی‌های امروزی نیز تحت تأثیر معماری اروپایی و گاه روسی است، اما باز هم بسیاری از عناصر معماری ایرانی و تلفیق آن را با معماری اروپا و باخترزمین می‌توان دید.

اما شاید بتوان مساجد را دسته‌بندی کرد. یکی از پژوهشگران چینی در کتاب خود چنین آورده است:

مساجد منطقه سین‌کیانگ را می‌توان به پنج گروه تقسیم کرد: عیدگاه‌ها، مساجد جامع، مساجد کوچک، محله‌ها، مساجد مزارات و مساجد یتیم، از مساجد بزرگ عیدگاه... برای برگزاری اعیاد و مراسم مهمی استفاده می‌شود. شکل ظاهری این مساجد باشکوه جالب توجه است و دارای شبستان‌های بزرگ و نقش‌ها ظریف‌اند... «مسجد جامع» که آن را «مسجد جمعه» نیز می‌نامند

۱. پینگ، لیوجی، معماری اسلامی در چین، ترجمه مریم خرم، چاپ اول، بی‌نا: ۱۳۷۷.

۲. از جمله بر سر در مزار خواجه آفاق، عارف نامی فرقه نقشبندیه شین‌جیان، در مسجد امین تورپان، در مسجد نیوجیه پکن و... می‌توان کتیبه‌های فارسی را دید و خواند، بر سر در مزار خواجه آفاق، به‌ویژه ماده تاریخ وفات ایشان با شعر فارسی بر کتیبه‌ای زیبا نقش بسته است، آفاق خواجه که اویغوران او را «آپاک خوجاه» تلفظ می‌کنند و درست آن خواجه آفاق است از عارفان بزرگ فرقه نقشبندیه در شین‌جیان چین به شمار می‌رود.

به طور معمول در مراکز تجمع مسلمانان در بخش‌های بزرگ و شهرهاست. مساجد کوچک... در سرتاسر سین‌کیانگ، به‌ویژه بخش جنوبی آن، به وفور دیده می‌شوند و مکان نماز و عبادت روزمره مسلمانان هستند... مسجدهای مزارات که بیشتر در محوطه گورستان‌ها بنا شده‌اند، مردم هنگام زیارت قبور، نیازمند انجام عبادات دیگر نیز هستند... زائران این اماکن بسیار زیادند و به همین دلیل مساجد آن‌ها نیز بزرگ و شبستان‌های آن‌ها به نسبت زیباست. مزار آفاق خواجه^۱، مزار یوسف خاص حاجب در کاشغر، مزار مولانا عزالدین^۲ در شهر کوچا مزار سلطان صدوق بغراخان در آرتوش همه دارای مساجد بزرگ با بناهای زیبا هستند و در میان آن‌ها مزار آفاق خواجه با چهار مسجد و یک مکتب تعلیم قرآن سرآمد همه است، مسجدهای یتیم در کنار جاده‌های دورافتاده سین‌کیانگ... فقط برای رهگذران اتفاقی است... اغلب بدون سقف هستند، سرپرست ندارند و نام یتیم برای آن‌ها بسیار بامسماست... در مساجد آنجا، کوچک و بزرگ به تزیینات سردرهای ورودی اهمیت بسیار داده شده، در اطراف در ورودی با استفاده از رنگ روغن آیات کلام‌الله نگارش یافته است، در طرح دیوارهای محراب از آجرکاری‌های بسیار زیبا و ظریف استفاده شده است، دروازه مسجد رفیع و با عظمت است و در دو سوی آن مناره بلند و با شکوهی دیده می‌شود که به بنای در ورودی متصل است... در سین‌کیانگ مناره‌های مساجد بلندند و اغلب ۵ الی ۶ طبقه‌اند... و پوشیده از آجرهایی با نقش و نگار زیبا یا کنده‌کاری هستند و انواع طرح‌های بدیع در گودی‌ها و برجستگی‌های بی‌شمار، زینت بخش اطراف شده‌اند... منبت‌کاری، تراشیدن نقش گل و گیاه و خطوط آجرها و سنگ‌ها و نقاشی رنگی از تجلی‌گاه‌های عمده این هنر است، طرح‌های اصلی که در هنر تزیینی مساجد سین‌کیانگ به کار می‌روند، عبارتند از از طرح‌های گل و گیاه، اسلیمی، بادامی (بته‌جقه‌ای)، اناری، غنچه‌ای، گل بزرگ، تک‌گل بزرگ، گل‌های ریز، طرح تک‌برگ و... منبت‌کاری‌های مساجد سین‌کیانگ بسیار ظریف هستند و بر بالای درهای مشبک و هلالی انواع طرح‌های گل، با نقوش برجسته، منبت‌کاری شده است. کار بر روی پنجره‌های چوبی مساجد با مهارت و دقت بسیار همراه است... هنر آجرکاری... و عظیم‌ترین کار تزیینی آجری در بناهای اسلامی سین‌کیانگ را می‌توان «برج سلیمان» در شهر تورفان دانست که «برج امین» نیز نامیده می‌شود... استفاده از گچ‌بری در تزیینات در سین‌کیانگ سابقه‌ای طولانی دارد... کارهای گچ‌کاری تنوعی بسیار دارند. استفاده از رنگ‌های آبی، سبز و غیره به وفور در نقاشی‌ها دیده می‌شود، انواع گل و بوته، گل نیلوفر آبی، میوه‌ها و مناظر طبیعی، طرح خورشیدی ساده و غیره با طرح‌های متنوع کشیده شده‌اند.^۳

۱. آفاق خواجه که اویغوران او را «آپاک خوجا» تلفظ می‌کنند و درست آن خواجه آفاق است، از عارفان بزرگ فرقه نقشبندیه در شین‌جیان چین به شمار می‌رود.

۲. مولانا عزالدین نیز از بزرگان فرهنگ اویغور است.

۳. یوان، فنگ جین، فرهنگ اسلامی و ایرانی، ترجمه محمدجواد امیدوارنیا، تهران: انتشارات بین‌المللی المهدی، بی‌تا، صص ۷۱-۷۳.

بی‌گمان در رخنه فرهنگ ایرانی و هنر و موسیقی^۱ و معماری و صنایع دستی و... چین، نمی‌توان نقش بازرگانان و همچنین نقش تاریخی راه ابریشم را نادیده گرفت، چنان که برای نمونه چای از چین به ایران آمده و با دگرگونی اندکی واژه چینی آن به شکل «چای» در ایران رواج یافته و ظروف چینی، منقوش و ظریفی را که با طرح گل و مرغ از چین می‌آوردند بسیاری از هنرها و دانش‌ها نیز به چین رفته است.

«برقراری ارتباط رسمی میان ایران و چین که با آمدن نماینده‌ای از امپراتوری هان غربی به دربار اشکانیان آغاز شد، طلیعه‌ای بود بر پیوندهایی گسترده که با آمدن و نمایندگان دو کشور روز به روز بر گستره آن افزوده می‌شد. هم چینیان به موقعیت حساس ایران آگاه بودند و هم ایرانیان به نقشی که می‌توانستند به عنوان یگانه پیوند شرق و غرب ایفا کنند»^۲ و همین آگاهی پایه‌ای شد برای آنکه راه ابریشم، به جز روابط اقتصادی و دادوستدهای بازرگانی، برای انتقال فرهنگ و دانش نقش ویژه‌ای ایفا کند. «راه ابریشم که از طریق مسیر اصلی و ده‌ها شاخه فرعی سرزمین‌های چندی را با آیین‌ها و فرهنگ‌های متعدد به هم پیوند می‌داد، جدا از نقش آن در دادوستد کالاهای تولیدی مردمان مختلف، در زمینه انتقال فرهنگ و هنر نیز سهمی سترگ داشت. می‌دانیم که راهبردهای گوناگونی برای انتقال فرهنگ و تمدن به دیگران وجود دارد؛ تماس و پیوند مستقیم انسان‌ها با یکدیگر، بهره‌گیری از رسانه‌های نوشتاری، گسیل داشتن فراورده‌های فرهنگی و هنر صنایع دستی، راه ابریشم همه این ویژگی‌ها را در خود داشت»^۳.

پس از دوره ارتباط‌های اقتصادی و فرهنگی ایران و چین در دوره اشکانی به دوره ساسانی می‌رسیم که بیشترین سهم را به‌ویژه در تأثیر معماری ایران بر چین داشته است. در این دوره مانی، پیامبر ایرانی، ظهور کرد که بنیاد اندیشه‌اش، برخلاف آنچه بدخواهان و دشمنانش درباره‌اش نگاشته‌اند، بسیار توانمند و انسانی است. آیین مانی آیینی مغانه، عرفانی و بسیار اندیشمندانه است و پس از آنکه مورد بی‌مهری ساسانیان قرار گرفت، پیروانش به چین رفته و در آنجا مانستان‌ها و مانسگاه‌های بسیاری برپا کردند. مانستان‌ها بناهایی کنده بر دل کوه بودند که مانویان در آنجا به نیایش می‌پرداختند، این دست‌کنده‌های مانوی که در چین به نادرست «غار هزار بودا» نامیده می‌شد، از زیر سقف تا زمین همه دیوارهایش پر از نقاشی است و برخی از آن‌ها نیز با تندیس‌هایی نمادین یا تندیس‌هایی از مانویان آراسته شده است که مانی و پیروانش را و بسیاری از پایه‌های آیین او را نمایاند و این جانب بسیاری از این دست‌کنده‌های مانوی را در شین‌جیان چین

۱. بدیعی، نادره، «سلسله‌نوشتارهای موسیقی ایرانی در چین»، مائنامه کلک، ش ۳۹-۴۱، خرداد ۱۳۷۲، تیر ۱۳۷۷، مرداد ۱۳۷۲، صص ۲۰۷-۲۱۶، صص ۱۳۵-۱۳۰، صص ۱۹۵-۱۹۹.

۲. لیانگ، نی، «رفت‌آمدهای دوستانه میان چین و ایران در دوره‌های گذشته»، هستی، س ۲، ش ۴، زمستان ۱۳۷۲، ص ۳۳.

۳. مروارید، محمدرضا و گروه جغرافیایی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، راه ابریشم، مشهد، ۱۳۷۶، ص ۱۶.

دیده‌ام. ر سده بیستم میلادی آن هنگام که این دست‌کنده‌های مانوی کشف شد، آن‌ها را بزرگ‌ترین یافته باستان‌شناسی قرن شناختند، چرا که در آن‌ها چندین هزار لوح گلی به دست آمد که بر آن‌ها اندیشه‌های مانی و بنیادهای دین او را نگاشته بودند (به‌ویژه در تورپان و دیگر جای‌های شین‌جیان). این گلینه‌ها مورد کنکاش و بررسی گروه‌های چندی از باستان‌شناسان کشورهای گوناگون جهان قرار گرفتند. لوح‌های گلی که در این بناها به دست آمد را «کتاب خانه تورپان» نامیدند و پس از خواندن متن‌های برخی از گلینه‌ها را که به زبان پهلوی تورپانی است (یا شاید بهتر است بگوییم پهلوی مانوی) سندهای بسیاری از دانش پزشکی ایران — حتی نسخه‌های پزشکان مانوی — هنر نقاشی، هنر آیینی و سروده‌های عارفانه، مغان مانوی به دست آمد و مانویان با نفوذ بسیاری را که در چین و به‌ویژه در میان اویغوران یافته بودند، فرهنگ و هنر ایرانی را به اویغوران مانوی‌شده آموختند و مسبب آن شدند که هنر و فرهنگ و دانش ایران بیش از پیش به چین راه یابد. از آن جمله است هنرهای زرنگاری و تذهیب و همچنین نگارگری و مینیاتور ایران که از سوی مانویان به چین رفت، در آنجا رواج یافت و امروز به اشتباه نقاشی «مینیاتور» را «چینی» می‌دانند و به نادرست می‌پندارند که نقاشی مینیاتور از چین به ایران آمده است که درست، باژگونه می‌اندیشند. مینیاتور یا نگارگری، هنری ایرانی است که از سوی مانویان به چین و هند رفت و در آن مناطق تقلید و پیروی شد و در هند به ناروا به نام نقاشی مغولی؟؟ شناخته شد و در ایران و تحت تأثیر مانی و مانویان به زندگی خود ادامه داد. مانی و مانویان خود نقاشان برجسته‌ای بودند که کتاب‌ها و طومارهایی را که پدید می‌آوردند و می‌نگاشتند زرنگاری و تذهیب می‌کردند. هنر مینیاتور کاملاً ایرانی است

در این میان خاقان اویغور به باورهای مانوی روی آورد. این دین آمیخته‌ای بود از دین‌های گوناگون غربی^۱ با یک گرایش ویژه ایرانی که طی سده‌های گوناگون به آهستگی در مسیر جاده ابریشم گسترش یافته بود، مانی‌گری اکنون از طریق اویغورها تا استپ مغولستان رخنه کرده بود... اویغورها نیز سبک‌های هنرهای ایرانی را به همراه دینی پذیرفتند که سرچشمه‌ای ایرانی داشت. بدین‌سان شهرهایی همچون تورفان که زمانی سرزمین بودائیان قدیم بود... اکنون نقاشی‌های روی گچ مانوی را که سبکی ایرانی داشتند، ساخته و پرداخته می‌کردند^۲

و این نکته نشانگر این مسأله است که آیین بودا به غیر از آیین مانی است و «هزار غار» را که بودایی می‌نامند، هزار غار مانوی است که چون این دست‌کنده‌ها و مانسگاه‌ها و نیایشگاه‌ها در سراسر شین‌جیان فراوان است آن را «هزار غار» نامیده و به نادرست به آیین بودا نسبت داده‌اند.

۱. مراد آیین‌هایی است که در ایران رواج داشت و در غرب چین یعنی آیین میترا (مهر) و آیین زرتشت و مانی. — م.

۲. فرانک، ایرین و دیوید براونستون، جاده ابریشم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: سروش، ص ۲۵۴.

پس از ظهور اسلام، در اواخر دوره ساسانیان، و پذیرش این آئین توسط ایرانیان، مسلمانان به کشورگشایی پرداختند چنان که یکی از شرق‌شناسان در کتاب خود می‌نویسد: «با گسترش فتوحات مسلمانان به سمت شرق و امپراتوری ساسانی در ایران، معماری مساجد شکل شرقی به خود گرفت و طاق‌هایی که ساسانیان بر سردر کاخ خود ساخته بودند، در منحنی‌های مساجد نیز نمایان شد»^۱. به روشنی می‌توان دیدگاه این خاورشناس درباره تأثیر معماری ایرانی و ساسانی را بر بناهای سرزمین‌های مسلمان‌نشین و در شین‌جیان یا سین‌کیانگ چین مشاهده کرد و از آنجا که جاده ابریشم پیش از اسلام ساخته و پرداخته شده است، در پژوهش‌های مربوط به فرهنگ و تمدن پیش از اسلام در مورد جاده ابریشم می‌توان به وضوح نفوذ و حضور فرهنگ و هنر ایرانی را در سراسر جاده ابریشم دید^۲ و به هیچ روی نمی‌توان نقش بزرگ ایران را در پیوندهای فرهنگی و مبادلات فرهنگی نادیده گرفت «ایران در زمره کشورهای است که دارای تمدن قدیم و تاریخ طولانی می‌باشند. تاریخ زندگی انسان در سرزمین ایران به «عصر حجر» می‌رسد، تمدن درخشان و تاریخ طولانی کشور باستانی ایران گنجینه گران‌بهایی به بشر تقدیم کرده است، در آن زمان که هنوز در روی زمین راه دریانوردی وجود نداشت، ایران نقش پل ارتباطی در رفت‌وآمدهای دنیای شرق و غرب بازی می‌کرد... و با آنکه جاده ابریشم دو راه داشت — یکی جاده شمالی و دیگری جاده جنوبی — و هر دو در سرزمین ایران تلاقی می‌کردند، ایرانیان در پیشرفت و پیشبرد رفت‌وآمدهای بین شرق و غرب نقش واسطه را بازی می‌کردند»^۳.

پس از ظهور اسلام، این پیوندها و ارتباطات همچنان گسترش و ادامه یافت تا آنجا که مردمان منطقه شین‌جیان که پیرو دین مانی بودند، به تدریج و به پیروی از ایرانیانی که خود به دین اسلام درآمده بودند، کم‌کم به دین اسلامی گرویدند و همچنان تأثیرپذیری خود را از فرهنگ و هنر و دانش ایرانیان اسلام‌آورده تداوم بخشیدند. و هنگامی که من برای نخستین بار به شین‌جیان و شهر اورومچی، مرکز این ایالت، رفتم و با چشمی باز به اطراف خویش نگریدم

برایم آشکار بود که ایالت شین‌جیان یکی از بزرگ‌ترین مراکز نفوذ زبان فارسی و فرهنگ ایرانی است و دیگر خود را با آن سرزمین آشنا می‌یافتم... ما به سرزمینی پا نهاده بودیم که فرهنگ و زبانش بی‌هیچ گزافه‌ای با فرهنگ ایرانی همسان و هماهنگ بود، در شهر اورومچی بیشتر ساختمان‌ها به شیوه معماری اسلامی ایران و با طاق‌های قوسی ساخته شده‌اند...^۴

۱. رید، استرون، «راه‌های ابریشم و ادویه، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها»، ترجمه عباس ملکی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۲۱.

۲. تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی یونسکو، ترجمه صادق ملک شه میرزادی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴ ش.

۳. لیانگ، نی، «رفت‌وآمدهای دوستانه میان چین و ایران در دوره‌های گذشته»، فصلنامه هستی، ص ۳۳.

۴. بدیعی، نادره، فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین، تهران: بلخ، ۱۳۷۷ ش، پیشگفتار.

یکی از نشانه‌های بارز رخنه فرهنگ کهن ایران در سرزمین چین، نمادها و نقش‌های کهن ایران زمین است که آن را به روشنی در گچ‌بری‌های ایالت شین‌جیان می‌بینیم، بسیاری از این گچ‌بری‌ها همگان را به یاد نقش‌ها و گچ‌بری‌های دوره ساسانی ایران می‌اندازد، درون مایه این نقش‌ها همه ایرانی است و با همان نام‌های فارسی به کار می‌رود و معماران قدیم ایران همان نقش‌ها را می‌ساختند^۱ و با همان نام‌های فارسی به کار می‌بردند مانند نقش بادام، بادامچه، گل، غنچه، برگ و از این دست اصطلاحات معماری همچون کاشی، کاشی نقش‌دار، خشت، خشت منقوش و...^۲

یکی دیگر از نمادهای کهن ایرانی که در بسیاری از ساختمان‌ها، دیوار و سقف مساجد، دیوارها و سقف خانقاه‌های شین‌جیان به کار می‌رود — و من در برخی ساختمان‌های پکن نیز نقش این نماد را دیدم و تصویر نمونه‌ای از آن نیز در متن این کتاب آمده است — نمادی که آن را به نام «چرخه خورشید» می‌شناسیم و این نماد از روزگاران بسیار کهن و در ایران به کار می‌رفت و از نمادهای مقدس و سپتای ایران‌زمین است و پیشینه آن پیشازرتشتی است و به روزگاری می‌رسد که ما ایرانیان پیرو آیین توحیدی مهر یا میترائیسم بودیم و نماد و نشانه این دین توحیدی خورشید است، همچنین نشان و نماد «گردونه مهر» و «چرخه خورشید» هر دو از نمادهای بسیار ژرف آیین مغانه و عارفانه دین مهر یا میترا بودند که هنوز هم در بسیاری از مساجد و امامزاده‌ها و بازارهای سنتی ایران، این نقش را با آجر و کاشی و منبت‌های چوبین می‌بینیم که درون کاشیکاری‌ها یا آجرکاری‌های این ساختمان‌ها جای گرفته‌اند.^۳

در سرزمینی دیگر دو خاورشناس درباره نقش ایران در دوره اسلامی چنین می‌نگارند که: «امپراتوری عربی در آسیای غربی از زمان روی کار آمدن فرمانروایان عباسی در سال ۷۵۰ ق، دیگر یک امپراتوری عربی به معنای خالص آن نبود این امپراتوری در واقع یک امپراتوری نوین ایرانی بود، هر چند که یک دین دولتی نوپدید و فراگیر به جای دین باستانی ایران نشسته بود، دولت‌های عرب پیشین که ایمانشان را به شهرهای بین‌النهرین و ایران و ترکستان آورده بودند برای فرمانروایی بر این سرزمین‌های بزرگ و باستانی مجهز نبودند... ایرانیان که نقش‌های مهمی چون مدیریت و دبیری را عهده‌دار شده بودند در دستگاه خلافت بسیار اهمیت پیدا کردند و پایه شکوفایی اسلام ایرانی را گذاشتند...»^۴

۱. زمرشیدی، حسین، معماری ایران، اجرای ساختمان با مصالح سنتی، تهران: زمرد، ۱۳۸۲ ش، صص ۲۶-۵۵، صص ۹۱-۷۰.

۲. صص ۱۱۸-۱۲۲، صص ۱۳۶-۱۴، صص ۲۰۰-۲۰۶، صص ۳۰۷-۳۰۹، صص ۴۱۳-۴۲۴.

۳. رعناحسینی، کرامت، گره‌سازی در هنر معماری ایران، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۷۶ ش.

۴. بختورتاش، نصرت‌الله، گردونه خورشید یا گردونه مهر، تهران: عطایی، ۱۳۵۶ ش.

۵. فرانک، آیرین و دیوید براونستون، جاده ابریشم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: سروش، ص ۲۵۸.

و این فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی - ایرانی که تا قلب چین پیش رفت، چنان که در جایی دیگر نگاشته‌ام، با زبان فارسی به این دیار رفت: «این واقعیتی انکارناپذیر است که اسلام و فرهنگ ایرانی با زبان فارسی به چین رفته و مسلمانان چین، اسلام را با زبان فارسی پذیرا شدند و ترکان آن سامان نه تنها اسلام، بلکه فرهنگ و ادب و شعر پارسی و موسیقی و بسیاری از آداب و رسوم و سنت‌ها را نیز از ایران آموخته‌اند. نمونه‌ای زنده از آن، برگزاری آیین نوروز است که هم در میان اویغوران و هم در میان قرقیزان، ازبکان، قزاقان و تاتاران چین، جشن آغاز سال نو به شمار می‌رود و این بدان زمان باز می‌گردد که زبان فارسی، زبان جهانی بود و جهان با فرهنگ، با زبان فارسی سخن می‌گفت و می‌اندیشید و زندگی می‌کرد»^۱

به هر روی خواننده یا بیننده آگاه کتاب با دیدن تصاویری که در این کتاب آمده است، خود حضور مسلم فرهنگ و هنر ایرانی را در شین جیان چین می‌بیند و با نگرش برنامه‌های فارسی و اصطلاحات و شیوه ساختمان‌سازی ایرانی خود به روشنی، تأثیرپذیری ترکان را از فرهنگ و هنر ایرانی درمی‌یابد و در پایان بایاست که یادآور شوم این کتاب دومین پژوهش من درباره رخنه فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در شین جیان چین است که در دسترش دلشدگان فرهنگ ایران زمین می‌آید. و امید که در آینده‌ای نه چندان دور بتوانم دیگر پژوهش‌هایی را که در این باره انجام داده‌ام در دسترس آورم و، چنان که در پیش نگاشتم، این از نخستین گام‌های من در این زمینه است باشد تا پسند خاطر خوانندگان و بینندگان این کتاب افتد.

شمیران، دی‌ماه ۱۳۹۴

نادره بدیعی

۱. بدیعی، نادره، فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین، تهران: بلخ، ۱۳۷۷، پیشگفتار، ص ۱۵.

مقدمه

آرایه‌های معماری اویغوری دارای تاریخی طولانی هستند و قدمتشان به «عصر سنگ» می‌رسد. این طرح‌ها با چند خط منحنی و قوس‌های ساده که برای نمایاندن قله‌ها و کوه‌ها به کار رفته و نشان‌دهنده احترام مردمان به طبیعت بود، شروع شد (و دنباله طرح‌های کلی از خورشید، ماه و ستارگان هستند). این طرح‌ها نیز با طرح‌های هندسی، نقش‌های کنده‌کاری‌شده و نقش برجسته‌ها، و تزئینات داخلی بناها جایگزین شدند. تزئینات داخلی خانه‌ها یکی از سه شاخه اصلی هنر اویغوری به شمار می‌آمد و آن دودِ دیگر نقاشی دیواری و پیکرتراشی است. نمونه‌های بسیار زیبایی در غار هزاربودا در «دون خوان» و در غار هزاربودای قزل در «بای چنگ»، و در غار هزاربودای کومترا، در غار سیم‌سیم قزلمار در «کوچا» و غار بزکلیک در تورپان، غار تویوق در شان‌شان می‌توان دید.^۱

گسترش اسلام دیدگاهی نو در معماری اویغوری پدید آورد و طرح‌ها و آرایگی‌های دل‌پسندانه و مطبوع در مغاره‌ها، گنبد‌ها، دروازه‌ها، سنگ‌های سردرها، طاقچه‌ها، بخاری‌های دیواری، دالان‌ها، محراب و ستون‌ها اجرا و پدیدار شده این نقش‌مایه‌ها همچنین در قالی‌ها، پوشش بادامی [خاص اویغور]، سقف تکیه‌ها، کلاه‌خودها، سپرها، زین و یراق اسب‌ها و رکاب‌ها و میله‌های جلوی گاری‌ها و ارابه‌ها نیز دیده می‌شدند که تمامی این‌ها مختص هنرهای تزئینی اویغوری گردیده، که خود بخشی از گنجینه و اندوخته هنری و فرهنگی چین و جهان را تشکیل می‌دهد. بهترین نمونه‌ها از این قرارند: آرامگاه سلطان صدوق بغراخان؛ آرامگاه‌های دانشور و محمود کاشغری؛ آرامگاه یوسف خاص - حاجب؛ مسجد عیدگاه؛ آرامگاه خواجه آفاق کاشغر؛ و مزار چهل روحانی دربارکند (ساجه)؛ و نمونه‌های حیاط‌ها و خانه‌ها که این آلبوم دربرگیرنده

۱. غارهایی را که ناشر کتاب نام می‌برد همه متعلق به مانویان است که در سده بیستم میلادی کشف شدند و بزرگ‌ترین کشف باستان‌شناسی چین لقب گرفتند. این‌ها دست‌کنده‌ها یا مغاره‌هایی هستند که مغان مانوی در این مانسگاه‌ها یا مانستان‌ها به نیایش و اعتکاف می‌پرداختند.

تصاویر بسیاری از این‌هاست.

ویژگی هنر آرایگی و تزیینی معماری اویغوری عبارت است از:

۱. نقاشی‌های تمام‌رنگی، چشم‌اندازهای زیبای گل‌ها و گلدان‌ها، نقاشی‌های درهای اتاق‌های پذیرایی، طاقچه‌ها، خرک‌ها، سراپخانه‌ها، تیرهای چوبی، هشتی‌ها و دالان‌ها، سقف‌ها و پوشش‌های داخلی آن‌ها یا پیرامون محراب‌ها و رنگ‌های روشن در تضادی تند ولی در عین حال در هماهنگی کامل.

۲. طرح‌های کنده‌کاری‌شده رنگین، نقاشی‌هایی که روی گچ‌بری‌ها و چوب‌ها به کار رفته است، دارای گچ‌بری‌های سفید و صیقلی‌اند و رنگ‌های تند و زنده و یکپارچه دارند. از این رو، کار با آن بسیار آسان است و از زمان‌های دور در ساختمان‌های شهری به کار رفته‌اند. وانگ یانده^۱، جهانگرد مشهور، با ملیت خان^۲ که در میانه سال‌های ۹۸۱-۹۸۳ از تورفان^۳ دیدن کرده است در کتابش، مسافرت به گائوشان، گفته است: «پایتخت سرزمین آتش است. به طرز وحشتناکی گرم است. در درازنای سال نه باران می‌بارد نه برف، اتاق‌ها گچ‌بری‌شده‌اند و شهر به داشتن ساختمان‌های کلاه‌فرهنگی، بهارخواب‌ها، گل‌ها و درخت‌ها به خود می‌بالد». طرح‌های قالب‌ریزی‌شده زیبایی در مساجد، آرامگاه‌ها، گنبدها، مناره‌ها و دیوارها به چشم می‌خورند. طرح‌ها صورت‌های گوناگون دارند؛ بعضی‌ها دوسویه و بعضی چهارسویه، بعضی گرد و برخی چهارگوش، سه‌گوش و بعضی لوزی‌شکل هستند. این طرح‌ها و نقش‌ها که در کمال هماهنگی قرار داده شده‌اند، ساختمان را زنده جلوه می‌دهند.

۳. موزائیک آجری و آجرهای کنده‌کاری‌شده. نرده‌ها و پله‌های خانه‌های اویغوری اغلب با کاشی‌های معرق به شکل‌های سه‌گوشه یا لبه‌های روی هم افتاده به هم پیوسته و شش‌گوشه آراسته شده‌اند، قاب‌های درها، مناره‌ها، گنبدها، دیوارها و صدفه‌بندی سه‌آجره، کنده‌کاری‌شده و با طرح‌ها و نقش‌های هندسی چیده‌شده آراسته شده‌اند.

این آرایه‌ها در معماری اویغوری بسیار مهم‌اند؛ فن‌آوری دیگر عبارت است از به‌کارگیری آجرهای با طرح‌های قالب‌ریزی‌شده که جلوه گچ‌بری‌ها و نقش‌برجسته‌ها را به دست می‌دهد و دوام بیشتری نیز دارد.

۴. آجرهای لعابدار به رنگ سبز و آبی عموماً به کار برده می‌شوند، همچنین آجرها و کاشی‌ها به رنگ‌های دیگری چون بنفش، صورتی و سفید با آرایه‌های برجسته‌کاری‌شده نیز به کار برده می‌شوند. رنگ‌های نازدودنی و محوناشدنی کاشی‌ها بر اثر آتش کوره‌ها به دست می‌آید. این

1. wang yande

۲. آماج از ملیت خان، یا با تلفظ چینی هان، ملیت اصلی و زردپوست چین است.

۳. تورپان

کاشی‌ها در نور خورشید می‌درخشند و به این ساختمان‌ها ظاهر و حالتی باشکوه می‌دهند. هنر معماری تزیینی اویغوری بسیار وابسته به زندگی عرف و عادت مردم است. مردمان اویغور به باغداری و باغ‌آرایی بسیار علاقه‌مندند. آن‌ها انگور و انواع گل‌ها را در حیاط‌هایشان می‌کارند. این رسم بازتاب کاملی در هنر معماری تزیینی دارد. ساقه‌های پیچان درخت انگور، برگ‌ها، گل‌ها، غنچه‌ها، گلبرگ‌ها، میوه‌ها و به‌ویژه بادام، زردآلو، انار و انگور و نیز ظرف آب، کتری مفرغی، چینی‌ها و گلدان، نقش‌مایه‌های مردم‌پسند هستند. اشیاء اغراق‌آمیز هنرمندانه چنان با هوشمندی در بناها جا گرفته‌اند که با یکدیگر کاملاً مرتبط هستند و یک تمامیت یکپارچه را شکل می‌دهند. همه این صورت‌های هنری و شکل‌ها در نمونه‌های هنر معماری اویغوری به طور کامل ارائه شده‌اند.

این کتاب پیشرفت معماری اویغوری و هنر معماری تزیینی را به خواننده نشان می‌دهد.